



انتقادی ایجاد دیدگاه لازمه پیشرفت رادیو

گفت و گو با غلامعلی پیرایرانی
نویسنده و سردبیر رادیو ورزش و گوینده خبر ورزشی
● فاطمه شیرین، میتراسدنییا

۱۳۵۴ پس از طی دوره تهیه کنندگی مشغول سردبیری و تهیه کنندگی در مرکز اردبیل شدم. برنامه گرایش ورزشی داشت، اما مضمون آن اجتماعی و به زبان آذری بود.

سال ۱۳۵۹ وارد تلویزیون شدم و در آنجا گویندگی را شروع کردم. می توانم بگویم که تمامی حرفه های موجود در صداوسیما مثل صداپردازی سر صحنه، اپراتوری پخش، تهیه کنندگی و... را تجربه کرده ام، اما با گذشت ۳۱ سال از کارم در صداوسیما، هنوز معتقدم - برخلاف برخی از جوانانی که پس از چند تجربه کوتاه فکر می کنند که همه چیز را در صدا و سیما یاد

▣ درباره سوابق فعالیت هایی که در رادیو داشته اید، مختصری توضیح بفرمایید.

○ من بعد از پایان خدمت سربازی به حرفه معلمی مشغول شدم. یادم هست که همیشه آرزو داشتم هنرپیشه شوم و به همین دلیل وقتی آنتن فرستنده اردبیل را دیدم آرزوی کار در آنجا را داشتم. بعد از شرکت در امتحان ورودی وارد رادیو و تلویزیون شدم. سال اول مرحوم اسدالله پیمان، یکی از گوینده های توانا، با من مصاحبه کردند که من رد شدم. اما باز هم پیگیری کردم و در سال دوم به استخدام صداوسیما درآمدم. در همان ابتدای سال

▣ به طور کلی چه دیدگاهی درباره رادیو دارید؟

○ در کل رادیو را می توان یکی از دوستان صمیمی تمام افراد جامعه دانست، چون در تنهایی ها، در جمع و برای کسب اطلاعات و برای انعکاس برخی مطالب از این وسیله استفاده می شود؛ بنابراین وسیله مهمی است و باید ارزش زیادی برای آن قائل بود. البته این امر بستگی به نوع برخورد با این وسیله ارتباطی دارد. برخی از شنونده ها شاید یک برنامه خاص را پیگیری کنند و عده ای هم شاید همیشه از این وسیله استفاده کنند؛ همه اینها بستگی به ذوق و سلیقه شنونده ها دارد.

گرفته‌اند - کارهایی هست که می‌شود به‌عنوان تجربه اول به سراغشان رفت. من این امر را زمانی که در خبر ورزشی بودم تجربه کردم. به‌خاطر می‌آورم روزی هنگام پخش اخبار سراسری آقای افشار پس از خواندن اخبار، استودیو را ترک کردند، من متوجه بودم که دوربین روبه‌روی من نیست و کارگردان هم از این قضیه بی‌خبر است. بعد از آنکه خانم ساکی، بلافاصله

ویژگی‌های روانی - شخصیتی داشته باشد؟

○ این مسئله در رادیو به حرفه‌های مختلف بستگی دارد. یک گزارشگر باید برخورد صحیحی با فرد مصاحبه‌شونده داشته باشد تا بتواند پاسخی را که می‌خواهد، بگیرد و یا یک تهیه‌کننده باید به شکلی برخورد کند که گوینده حرف‌های او را مطرح کند. به عقیده من هر فرد باید در هر

شما در کدام جایگاه قرار گرفته‌اید. بر فرض شیوه کار گزارشگر یک مسابقه دو و میدانی با یک گزارشگر در سطح شهر متفاوت است و در این بین، در نظر گرفتن زمان و نظم، اهمیت فراوان دارد. برای مثال هنگامی که باید گزارشی ۱۰ دقیقه‌ای تهیه شود، اگر یک دقیقه از دست برود و آن گزارش در نه دقیقه پخش شود به فرستنده خیانت شده است. اینها شرایطی است که



رادیو ورزش باید در مورد رشته‌های مختلف ورزشی برنامه‌سازی کند و باتوجه به نیاز شنونده‌های جوان آن حرکت کند و گرنه آنها را از دست خواهد داد.

پخش اخبار ورزشی را اعلام کردند، من برای آنکه وقفه‌ای در پخش خبر ایجاد نشود، بلافاصله جای خود را عوض کردم و بر روی صدلی آقای افشار نشستم. اگر من خطر نمی‌کردم، احتمال داشت که برای خبر بد شود.

□ شما به مواردی اشاره کردید که فکر می‌کنم تمامی آنها به ویژگی‌های خلقی و شخصیتی بستگی دارد. حالا به نظر شما فردی که می‌خواهد در رسانه و به‌طور خاص در رسانه رادیو کار کند، باید چه

موقعیتی که قرار می‌گیرد، جایگاه خود را بشناسد. در جایگاه سردبیری باید قاطعانه برخورد کند و اگر گوینده است باید سعی کند دستورات سردبیر را در اتاق فرمان اجرا کند. اینها مطالبی است که دید روان‌شناسی را می‌طلبد؛ یعنی اگر کسی با مسائل جامعه، افراد، کار و وظیفه کاری آشنا نباشد، نمی‌تواند موفق باشد.

□ چه تعریفی از ژورنالیسم رادیویی دارید؟

○ تعریف این کلمه بستگی به این دارد که

یک فرد آن را تجربه می‌کند و این تجارب است که به صورت علم درمی‌آید. مجموع اینها می‌تواند یک ژورنالیسم رادیویی را فراهم کند.

□ شما به توانایی‌های فردی در کار حرفه‌ای اشاره کردید. در بحث آسیب‌شناسی رادیو یکی از عوامل افت توجه مخاطبان، نبودن انتخاب شایسته و صحیح نیروی انسانی است. با توجه به این مطلب ارزیابی کلی شما از فرهنگ سازمانی در محیط کار رادیو چیست؟

○ به خاطر دارم هنگامی که وارد رادیو شدم، باید هشت ماه برای یادگیری، صرفاً به کارهای دیگران نگاه می‌کردم. ۱۴ روز از شروع کار من می‌گذشت که یک روز در کنار یکی از همکاران ادیتور شروع به ادیت یکی از برنامه‌ها کردم، آن روز یک ادیت کوچک وارد کرده بودم که روز بعد از طرف مدیر مرکز اردبیل دو روز تنبیه شدم. نظر مدیر این بود که این فرد نباید به آن برنامه دست می‌زد یا اگر دست زده بود، باید درست انجام می‌داد. شنونده که نمی‌داند کسی که این کار را ادیت کرده ۱۴ روز است که اینجاست یا ۱۴ ماه یا ۱۴ سال، شنونده باید یک کار آماده و بی نقص بشنود. بنابراین ما باید تشخیص بدهیم که یک فرد را برای چه می‌خواهیم؛ اگر برای گویندگی است باید دنبال صدای خوش باشیم؛ اگر گوینده تلویزیونی است باید تصویر خوبی نیز داشته باشد. یا اگر به دنبال یک تهیه‌کننده هستیم باید درک، میزان تحصیلات و انعطاف‌پذیری و نوع برخورد او با مسائل را در نظر بگیریم. حتی می‌توان گفت یک نویسنده را نمی‌توان برای مدت‌ها به خدمت گرفت؛ زیرا تراوشات فکری او روزگاری به پایان خواهد رسید و یا مطالب جدیدی برای نوشتن نخواهد داشت. یا احتمال دارد صدای یک گوینده در برخورد با بعضی مسائل عوض شود. به هر حال بسیاری از رادیوهای خارج از کشور و خود ما باید براساس این الگوها افراد را انتخاب کنیم.

□ این مسائل در مورد وضعیت مطلوب است؛ وضع موجود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ متأسفانه براساس آنچه که به واقع وجود دارد، رابطه‌ی ضابطه را گرفته و الگو را کنار گذاشته است. یک فرد اگر در ثبت احوال براساس رابطه مشغول به کار

شود اشکالی ندارد، اما یک گوینده یا گزارشگر نمی‌تواند بر این اساس انتخاب شود؛ چون به زودی ضعف خود را بروز می‌دهد. گوینده‌ای که با کلمات نامأنوس، به بیان مطالب می‌پردازد و نمی‌تواند حالت بگیرد، اگر بارابطه وارد رادیو شود گناه بزرگی صورت گرفته است.

□ شما چه راهکارها و سیاست-گذاری‌هایی را برای بهبود شرایط کار در رادیو و اجرای برنامه رادیویی پیشنهاد می‌کنید؟

○ من معتقدم باید از جوان‌ها در جایگاه خودشان استفاده کنیم. جوانی که از راه می‌رسد و جلوی دوربین یا پشت میکروفون قرار می‌گیرد، کار در رادیو و تلویزیون را خیلی سهل خواهد گرفت. بعد از ۱۸ سال گویندگی، وقتی آقای ندیری از من خواستند که به عنوان گوینده خبر کار کنم، یک ماه فقط به آقای جواد طبسی نژاد در استودیو نگاه می‌کردم، با

باید در کنار گوینده‌های متبحر قرار گیرند، تا از نظر چگونگی خواندن مطالب، نوع صداها، انعطاف‌پذیری صدا، اجرای نقش‌ها و سایر موارد ارزیابی گردند و به تدریج وارد کارهای سخت‌تری شوند. به یاد دارم که در یکی از دوره‌های گزارشگری آقای رامفیلدی به ما گفتند: «اگر شما بخواهید گوینده‌تان را چک کنید خیلی راحت می‌توانید از خارجی‌ها بپرسید. به این صورت که وقتی گوینده شما خبر می‌خواند اگر درست بخواند، یک شنونده خارجی آن را احساس خواهد کرد و به شما خواهد گفت که گوینده‌تان چگونه خبر می‌خواند؛ هر چند که زبان آن را بلد نیست. حتی اگر لطیفه تعریف کنید یا یک مطلب عاطفی بخوانید، می‌فهمد». اینها همه به انعطاف صدا بستگی دارد. به هر حال، افرادی باید وارد عرصه کار رسانه شوند که دارای این ویژگی‌ها هستند.

یک نویسنده را نمی‌توان برای مدت‌ها به خدمت گرفت؛ زیرا تراوشات فکری او روزگاری به پایان خواهد رسید و یا مطالب جدیدی برای نوشتن نخواهد داشت. یا احتمال دارد صدای یک گوینده در برخورد با بعضی مسائل عوض شود.

□ در سال‌های اخیر، ما با تغییر و تحولات وسیعی در حوزه‌های مختلف اجتماعی در کشورمان مواجه بوده‌ایم. به نظر شما رادیو در مواجهه با این تغییرات چه تمهیداتی اندیشیده؟ و آیا تأسیس شبکه‌های متعدد و جدید در این جهت، نشانه انعطاف رادیو در مقابل این تغییرات بوده است؟

○ شخصاً سعی دارم دید انتقادی در رادیو ورزش حاکم شود، البته یک انتقاد سازنده

توجه به اینکه اجرای مرا شب قبل در تلویزیون دیده بودند. بعد از یک ماه به من گفتند که فقط بنشین و بگو: «اینجا تهران است صدای جمهوری اسلامی ایران» و در دومین ماه یک در میان خبر رادیویی می‌خواندم و در ماه سوم به من گفتند که خبر تلویزیون را بخوانم، در ضمن لبخند هم فراموش نشود. همین مسائل سبب شد که من گوینده موفق خبر ورزشی تلویزیون باشم. بنابراین جوانان تازه کار

و صحیح، نه یک طرفه و خدای نکرده غرض آلود. رادیو هم باید دید انتقادی داشته باشد و نظرهایی در این مورد وجود دارد که باید آنها را ساماندهی کرد. ولی به هر شکل با مخاطبانی در ارتباط هستیم که از سایر رسانه‌ها مثل رایانه‌ها، روزنامه‌ها و تلویزیون نیز خبر را دریافت می‌کنند و خدای نکرده اگر غلط حرکت کنیم، بلافاصله شنونده آن را احساس خواهد کرد. باید سعی کنیم جنبه انتقادپذیری را در افراد به وجود آوریم و به عنوان نگاهبان مردمی باشیم که می‌خواهند به حقوقشان از طریق این فرستنده‌ها دست یابند، ولی این مهم است که به چه شیوه‌ای از این فرستنده‌ها استفاده شود. هم‌اکنون نه شبکه رادیویی وجود دارد که تلاش‌های بسیاری در آن صورت می‌گیرد که اغلب آنها به هدر می‌رود. می‌توان برنامه‌های جامع‌تری را در اختیار شنونده قرار داد که تأثیر بیشتری داشته باشند.

هستند. هر چند تعداد شنونده‌های آن نسبت به گذشته کاهش یافته، ولی باز هم می‌توان تعداد آنها را افزایش داد. در هر حال **رادیو ورزش** باید در مورد رشته‌های مختلف ورزشی برنامه‌سازی کند و با توجه به نیاز شنونده‌های جوان آن حرکت کند

هم از نظر میزان شنونده **رادیو ورزش** بعد از **رادیو پیام** قرار گرفته نیازمند کارشناسی بیشتر در امر برنامه‌سازی است و شاید هم باید بیشتر انتقاد کرد و رابطه را جایگزین ضابطه نکنیم. **شما در یک رسانه تخصصی فعال**



هستید، برای به روز کردن مهارت‌های تخصصی و دانش رسانه‌ای و ورزشی از کدام یک از حوزه‌های علمی و دانشگاهی و به چه نحوی بهره می‌برید؟

○ من از نه سالگی با ژیمناستیک وارد عرصه ورزش شدم. پینگ‌پنگ را در ۱۲-۱۳ سالگی و کشتی را در ۱۶ سالگی آغاز کردم. به رشته‌هایی مثل فوتبال، والیبال و دوچرخه‌سواری هم پرداخته‌ام. سال ۱۳۵۰ با دوچرخه دور آذربایجان را گشته‌ام و در سال ۱۳۵۴ (حدود ۲۲ سالگی) به کوهنوردی می‌پرداختم که هم‌اکنون این رشته را ادامه می‌دهم. در اکثر رشته‌های ورزشی مطالعه دارم. ورزش باستانی یکی از ورزش‌های مورد علاقه من است که درباره آن بسیار تحقیق می‌کنم. معتقدم در مورد علم ورزش، باید به روز پیش رفت؛ یعنی باید بدانیم که اگر لینفورد کریستی سال گذشته

با گذشت ۳۱ سال از کارم در صداوسیمما، هنوز معتقدم - برخلاف برخی از جوانانی که پس از چند تجربه کوتاه فکر می‌کنند که همه چیز را در صداوسیمما یاد گرفته‌اند - کارهایی هست که می‌شود به‌عنوان تجربه اول به سراغشان رفت.

وگرنه آنها را از دست خواهد داد. **به‌طور کلی برنامه‌سازی در این شبکه تا چه حد مبتنی بر تحقیقات علمی و تخصصی است؟**
○ خوشبختانه مباحث ورزش به گونه‌ای است که هر خطایی به سرعت مشخص می‌شود؛ مثلاً وقتی آقای رضازاده ۴۷۲/۵ کیلوگرم وزنه می‌زند، ما نمی‌توانیم آن را ۴۷۵ کیلوگرم اعلام کنیم، بنابراین در **رادیو ورزش** راستگویی حرف اول را می‌زند. اگر

یکی از اهداف کار رسانه‌ای در مبحث روان‌شناسی اجتماعی ایجاد تغییر نگرش است. آیا رادیو ورزش در این زمینه، قواعد و سیاست‌گذاری خاصی در نظر دارد؟

○ خوشبختانه من در زمینه تهیه‌کنندگی و گزارشگری و گویندگی، به‌عنوان یک کارشناس در **رادیو ورزش** از آغاز تأسیس مشغول بوده‌ام و وقتی بین مردم می‌روم می‌بینم که خوشبختانه از این رادیو راضی

قهرمان دوومیدانی بوده، الان چه کسی و با چه اختلافی جای او را گرفته است و این امر مقدر نیست مگر اینکه اطلاعاتمان دقیق و به روز باشد.

□ آنچه شما اشاره کردید مربوط به اطلاعات و دانش فنی رسانه و ورزش است. منظور بنده مطالعات علمی و دانشگاهی است.

○ امسال در کنکور شرکت کرده‌ام و امیدوارم بتوانم در سهمیه قهرمانی قبول شوم و رشته تربیت بدنی را دنبال کنم و انشاءالله تا دکترا هم ادامه دهم. اما برای مطالعه، حوزه‌های دیگری مثل ارتباطات و جامعه‌شناسی را پیشنهاد می‌کنم. در ورزش مباحثی مثل روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی جایگاه خاصی دارند، به خصوص در عرصه مربیگری که ما هم در رادیو ورزش سعی کرده‌ایم از حضور چنین کارشناسانی در این حوزه‌ها استفاده کنیم.

□ در دهه‌های اخیر (از دهه ۱۹۹۰ به بعد) در ایستگاه‌های رادیویی جهان با شخصیت‌های برجسته رادیویی مواجه بوده‌ایم. به نظر شما آیا برای رادیوی ما امکان دارد که شخصیت‌های رادیویی داشته باشد و آیا رادیو ورزش در این زمینه موفق بوده است؟

○ از دید شنونده‌ها چند نام بیشتر مورد تأکید است. اما بنده مخالف این قضیه هستم، به دلیل اینکه مطرح شدن چند نفر موجب می‌شود که فکر کنند رادیو ورزش از آن آنهاست. اگر قرار است اندامی فکر کنیم، دیگر نباید به عضو بیندیشیم. کار رادیو را باید به هر شکلی هست به پیش برد، حال در این عرصه عده‌ای بیشتر و عده‌ای هم کمتر تلاش می‌کنند.

□ البته وقتی صحبت از شخصیت‌های رادیویی می‌کنیم منظور شخص محوری نیست، بلکه وجود یک فرد مسلط بر

موضوع و دارای عملکرد قوی است مثل گوینده‌هایی که نیازی به متن نویسنده ندارند.

○ در رادیو ورزش چنین تلاش‌هایی از سوی افرادی که دارای سوابق ۲۰ تا ۳۰ ساله در حرفه خود بودند (نظیر آقای اسکویی) صورت گرفت. من معتقدم بعضی مواقع شرایط ایجاب می‌کند که وقتی مجری بدون متن پشت میکروفون قرار می‌گیرد، جسارت اجرای یک ساعت برنامه زنده را داشته باشد؛ یعنی خلاقیت داشته باشد.

□ به نظر شما مهارت‌های نوشتاری چه جایگاهی در کار گویندگی دارند؟

○ به نظر من رادیو-تلویزیون را نویسنده‌ها می‌سازند. اگر یک سریال تلویزیونی را ببینید یا یک نمایش‌نامه رادیویی را گوش کنید، مشخص می‌شود که نویسنده متبحر بوده یا خیر. رسانه‌ای موفق است که نویسنده‌های متبحری داشته باشد. اگر خوب بنویسید می‌توانید

تخیل در کار رادیویی چه تأثیری می‌تواند بر میزان تأثیرگذاری صدا و چهره مجری در کار رادیویی داشته باشد.

○ اینکه از ابتدا یک فرد به عنوان مجری رادیویی انتخاب شده باشد، یا به عنوان یک مجری تلویزیونی و دیگر جای بازگشت به رادیو را نداشته باشد، کار بسیار خوبی است. در فرستنده‌ای بزرگ مثل CNN یک گوینده خبری آن قدر در کار خود جاافتاده که او را تنها به عنوان یک مفسر خبر و گوینده می‌شناسند. حتی می‌بینیم برخی آگهی‌های تبلیغاتی را هم به او می‌دهند تا اجرا کند. به نظر من اگر فردی که حدود بیست سال است در تلویزیون برنامه اجرا کرده، بعد به رادیو بیاید و از تلویزیون محروم شود، صدا و سیما ضرر خواهد کرد.

□ نظر شما در مورد آموزش‌های حین خدمت، از قبیل آموزش تهیه کنندگی، گویندگی و ... چیست؟

○ من دوباره به سخن قبلی‌ام اشاره می‌کنم که اگر ۱۰۰ سال دیگر هم از

به نظر من رادیو-تلویزیون را نویسنده‌ها می‌سازند رسانه‌ای موفق است که نویسنده‌های متبحری داشته باشد. اگر خوب بنویسید می‌توانید خوب هم انتقال دهید.

خدمت ما در رسانه صدا و سیما بگذرد، باز هم به تجربه روز نیاز داریم؛ بنابراین هر ساعت از کلاس آموزشی را اثر نتیجه بخش می‌دانم به شرط اینکه این کلاس‌ها تکراری نباشند.

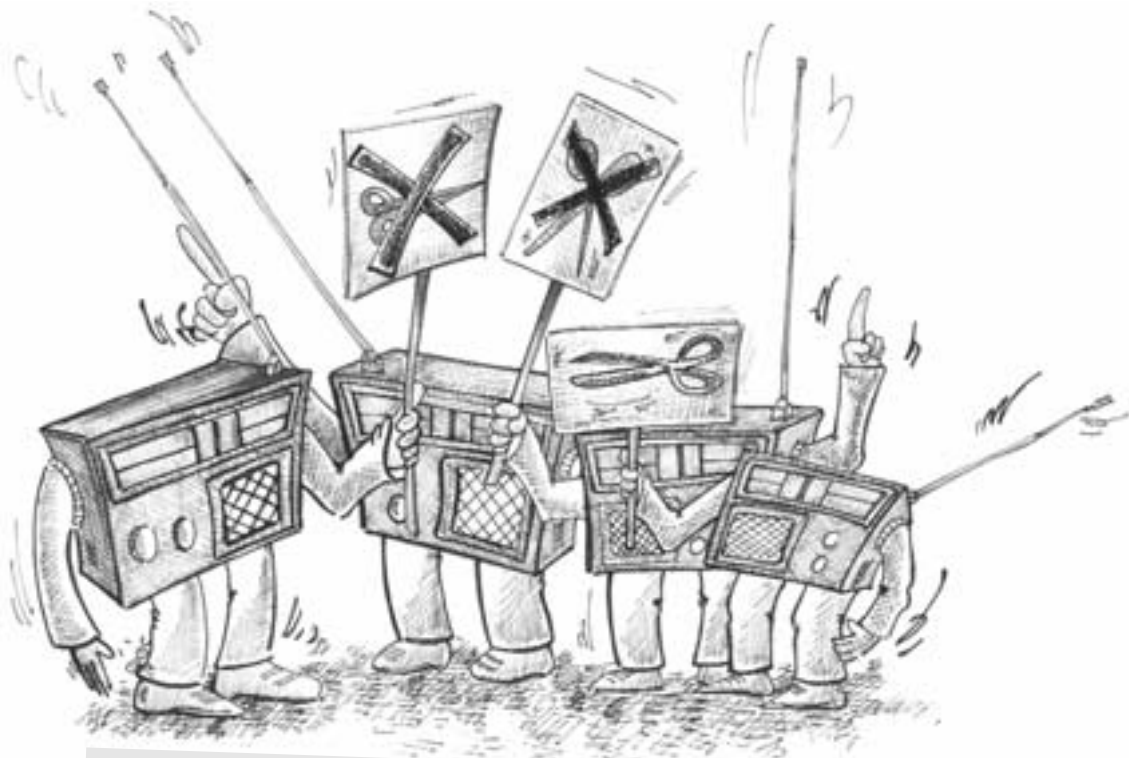
□ باتوجه به تجاربی که وجود دارد سبک آموزش سازمانی در رادیو بیشتر تطبیقی است تا مولد و اگر قرار باشد خود را با اصولی که به ما آموزش داده می‌شود تطبیق دهیم، چگونه می‌توانیم جایگاه

خوب هم انتقال دهید.

□ در حرفه گویندگی، سبک به چه معناست؟ و عناصری مثل انرژی، تسلط بر کار یا تسلط بر متن، جمع و فضا، شخصیت‌ها و ... چه نقشی دارند؟

○ تمامی عواملی که گفتید باید یک جا جمع شوند تا یک گوینده ورزشی، یک مجری یا گزارشگر بتواند موفق شود.

□ چهره‌گشایی شخصیت‌های رادیویی در تلویزیون با توجه به دامنه و اهمیت



برخی اوقات نظارت‌ها در کارهای فنی و تخصصی است که باید این را پذیرفت، گاهی هم نظارت در زمینه‌های محتوایی است که ممکن است تداخلی به وجود آید. در این موارد تهیه‌کننده باید با مسئله برخورد کند و از حقش دفاع کند.

مولد را داشته باشیم؟

○ من معتقدم که استادان باید اجازه بدهند تا افرادی که در کلاسشان نشسته‌اند، آموخته‌های خود را به زبان بیاورند؛ یعنی یک شنونده صرف نباشند. به یاد دارم، وقتی که در برابر یکی از استادان قرار گرفتم، او داشت دو گفتار نامتناسب را با هم میکس می‌کرد، من اعتراض کردم و او متوجه شد که انجام این کار اشتباه است. سخن دیگر اینکه استادان ما هم باید سعی کنند چیزهای تازه‌تری برای بیان داشته باشند تا کسانی را که در کلاس می‌نشینند جذب کنند و همان طور که شما فرمودید خود شاگردان هم مولد باشند.

□ نظر تان را در مورد صدا و احساسی که از تأثیر صدای خودتان بر مخاطب دارید بفرمایید.

○ گفته می‌شود که اگر پشت گوشتان را بگیرید و به صدای خودتان گوش دهید، چنانچه آن صدا خوشایند بود قابل قبول است. من این کار را کردم و از صدای خودم

خوشم نیامد، اما دیگران می‌گویند صدای خوبی داری، هر چند نمی‌دانم تعبیر آنها از صدای خوب چیست. بنده به عنوان یک فرد رسانه‌ای در رشته مورد علاقه‌ام مطالعه و فعالیت می‌کنم و سعی می‌کنم اطلاعات جامعی کسب کنم. به یاد دارم در سفر به بوسان کره جنوبی برای گزارش کاراته رفتم، با آنکه اطلاعات خوبی در این رشته داشتم، گزارش این مسابقات را به آقای بهنام فر، ویشگاهی و اجاقی سپردم که خودشان قهرمانان این رشته بودند و خیلی هم به دل نشست و بنده هم به عنوان یک رابط سعی کردم ارتباطم را با فرستنده‌ام به این شکل برقرار کنم.

□ در مورد حجم صدا، دانگ یا ارتفاع صدا و مسائلی از این قبیل به طور کلی شما تا چه حد غریزی و تا چه حد آگاهانه عمل می‌کنید؟

○ البته هر برنامه‌ای اجرا و صدای خاص خود را دارد، ولی چون کار ما بیشتر داد زدن است پس افت و خیز صدا در آن وجود دارد.

اما در مسابقات کشتی وقتی صدای هفت طبل را در کنار خودتان دارید، باور کنید که صدای فرستنده را به زور می‌شنویم. پس در اینجا دیگر باید داد زد.

□ اعتقاد به مطالبی که می‌گویید یا می‌خوانید تا چه حد در کار شما مؤثر است و تا چه حد شما طرفدار و پایبند به این احساس درونی و فعالیت گویندگی تان هستید؟

○ با توجه به اینکه مطالبی را که می‌خوانیم تخصصی هستند تا حد زیادی به آن مطالب اعتقاد دارم، اما یک بار شنونده‌ای از من پرسید قطر میله دروازه فوتبال چقدر است؟ باور کنید با اینکه می‌دانستم ۱۲ سانتی متر است ولی با شک به او جواب دادم و از استودیو که بیرون آمدم بلافاصله پیگیری کردم تا ببینم درست پاسخ داده‌ام یا نه.

□ به نظر شما تلفظ صحیح کلمات و اسم‌ها از مسئولیت‌های تهیه‌کننده است، یا گوینده یا نویسنده؟ مسئولیت کدام یک بیشتر است؟

○ من معتقدم گوینده و گزارشگر باید دنبال اسامی صحیح بروند. بارها شنیده‌ایم که این سؤال مطرح است که اسکیلچی درست است یا شیلچی؟ خیلی راحت، اگر بار اول اشتباه کردیم برای بار دوم باید از سفارت آن کشور اسم صحیح فرد را بپرسیم.

□ در انتقال احساس شور و هیجان در گزارش‌های ورزشی تا چه حد خود واقعی تان و تا چه حد محرک‌های محیطی و حرفه‌ای مؤثر هستند؟

○ باید برای خودمان مشخص کنیم که در برنامه به دنبال چه چیزی هستیم، لذا برای تأثیرگذاری بر مخاطب باید مطالعه و جست‌وجوی بیشتری کنیم تا به هدف مورد نظر در آن برنامه برسیم.

□ در تغییرات سریع محیط تا چه حد به خودتان اجازه می‌دهید که آزادتر عمل کنید؟

○ عملکرد ما اصولاً بستگی به چارچوبی دارد که رسانه برایمان تعیین کرده است.

□ چارچوبی که رسانه تعیین می‌کند بر اساس مصلحت نظام رسانه است. حالا

خلاف عقیده من برخورد کنند حداکثر این است که برنامه پخش نشود، ولی طبیعتاً در این زمینه این تهیه‌کننده و سردبیر است که تصمیم می‌گیرد و فرستنده هم می‌پذیرد، زیرا به کار او اطمینان کرده است.

□ در این صورت بحث نظارت برنامه‌های رادیویی مطرح می‌شود. شما نظارتی را که در رادیو و بر برنامه‌های رادیو اعمال می‌شود تا چه حد مفید و لازم و تا چه حد غیرضروری و نامناسب می‌دانید؟

○ برخی اوقات نظارت‌ها در کارهای فنی و تخصصی است که باید این را پذیرفت، مثل همان ادیتی که عرض کردم. گاهی هم نظارت در زمینه‌های محتوایی است که ممکن است تداخلی به وجود آید. در این موارد تهیه‌کننده باید با مسئله برخورد کند و از حقیقت دفاع کند. البته گاهی اوقات در رادیو ورزش وجود نظارت مفیدتر از نبودن آن بوده است، به دلیل اینکه نظارت از پخش برخی اشتباهات جلوگیری کرده است.

گزارشگران باید سعی کنند مطالب را با خودشان تمرین کنند و گزارش‌ها را یک بار به غلط بعد به درست برای خودشان تمرین کنند که دیگر در کار گزارش وقفه‌ای باقی نماند؛ زیرا یک مکث در گزارش، یک افت برای گزارشگر است.

□ چون شما در رادیو ورزش و برنامه‌های ورزشی فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای دارید طبیعتاً بنا به نوع فعالیت در رادیو ورزش نیازمند سرعت در ادای کلمات هستید. آیا تا به حال محاسبه کرده‌اید که تعداد متوسط کلماتی که در هر دقیقه می‌توانید ادا کنید چقدر است؟

اگر این امر در تقابل با نیازهای مخاطب قرار گیرد شما این تقابل را چگونه به حداقل می‌رسانید؟

○ اگر با چنین شرایطی مواجه شوم سعی می‌کنم که ۶۰ به ۴۰ کار را پیش ببرم؛ یعنی ۶۰٪ به سود خودم و ۴۰٪ به سود فرستنده؛ چرا که در نهایت اگر بخواهند

○ معمولاً من یک سطر را که می‌تواند شامل ۱۴ کلمه باشد در پنج یا شش ثانیه خوانده‌ام که تقریباً ۱۴۰ کلمه در دقیقه می‌شود.

□ به نظر شما در کار رادیو به خصوص در رادیو ورزش کاربرد موسیقی تا چه حد تخصصی است؟

○ موسیقی مناسب در جای مناسب می‌تواند کارایی یک مطلب را چند برابر کند. بنابراین باید برای هر مطلبی، موسیقی مناسب به کار برد. ما در رادیو ورزش سعی می‌کنیم از موسیقی‌هایی استفاده کنیم که طبیعتاً با دیگر شبکه‌ها فرق دارد و به تازگی سعی کردیم حتی ترانه‌ها را هم در برنامه‌ها بگنجانیم؛ چون مصاحبه و سرود نیاز شنونده‌های شبکه است. اگر بخواهیم دائم از موارد تخصصی صحبت کنیم و از موسیقی‌های تند و... استفاده کنیم طبیعتاً برخی از شنونده‌ها را که نیاز به آرامش دارند از دست خواهیم داد.

□ نظر تان را درباره زبان فارسی و زبان معیار در صداوسیما بیان بفرمایید؟

○ من نزدیک به ۱۱ سال در خبر بودم و دوره‌های مختلف ویرایش را گذرانده‌ام، ولی هنوز هم احساس می‌کنم که چیزی بلد نیستم. کسانی که گزارشگر هستند، باید حداقل روزی یکی-دو ساعت فرهنگ لغات را بخوانند، سعی کنند مطالب را با خودشان تمرین کنند و گزارش‌ها را یک بار به غلط و بعد به درست برای خودشان تمرین کنند که دیگر در کار گزارش وقفه‌ای ایجاد نشود؛ زیرا یک مکث در گزارش، یک افت برای گزارشگر است.